
گنجینه‌های قدیم سیستان

تألیف:

ابراهیم خمر

سرشناسه	: خمر، ابراهیم، ۱۳۱۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: گنجینه‌های قدیم سیستان / تالیف ابراهیم خمر.
مشخصات نشر	: شیراز: ابراهیم خمر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۴ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۳۲۰۴-۱
وضعیت فهرست نویسی	: فیفا
موضوع	: فرهنگ عامه -- ایران -- سیستان
موضوع	: سیستان -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی
رده بندی کنگره	: ۲۹۱GR / س ۱۳۹۴۹ خ ۸
رده بندی دیویی	: ۰۹۵۵۷۴/۳۹۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۸۲۵۳۳

گنجینه‌های قدیم سیستان

ابراهیم خمر

ناشر: ابراهیم خمر

□□□

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۱-۳۲۰۴-۰۴-۶۰۰-۹۷۸

لیتوگرافی چاپ و صحافی: پیشگام

□□□

صفحه‌آرایی: اطلس دهقانی

طرح جلد: جمشید رضایی

□□□

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

□□□

ارتباط با نویسنده:

۰۹۱۷۷۰۶۵۲۱۴

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۳	مقدمه
۱۶	سیستان قدیم
۱۷	نام‌های دوران باستانی سیستان
۱۸	سال ۱۳۱۶ زابل با بلوچستان یک استان شد
۱۹	یادآوری قسمتی درباره زبان سکزی
۲۲	بنیاد روزگاران
۲۳	زندگی خان در سیستان قدیم
۲۵	شیخ و ملا و استاد‌های روستا
۲۶	سرداران قدیم زمین‌دار
۲۹	تنبیه دزد سیستان قدیم
۳۰	نظام پاگوی
۳۱	رسم سالار به کشاورز
۳۴	بگذریم از این واقع سنت مردم زابل بود
۳۵	بذر جدیدی دوران شاه‌رخ شاه
۳۶	اقتصاد
۳۸	آبیاری زمین‌ها و نگهداری آنها
۳۹	زمان گندم به خوشه رسیدن
۴۲	درو گندم
۴۲	برداشت گندم
۴۴	نظام تقسیم گندم و بردن به انبار
۴۶	خوش پلوی
۴۷	خوشه‌چینی
۴۸	خرمن کوبی
۴۹	کشت و کار با پاگو

۵۰.....	باغداری، کشت غلات و جالیز.....
۵۱.....	اوداران قدیم سیستان.....
۵۲.....	سیستانی سخت‌کوش بلوچ و زابلی.....
۵۵.....	روزگار خان‌ها در سیستان قدیم.....
۵۶.....	کار و نظام زندگی قدیم در سیستان.....
۵۷.....	زمین‌داران در سیستان قدیم.....
۵۹.....	سیل‌های سیستان.....
۶۰.....	اولین آسیاب در سیستان.....
۶۲.....	صنایع دستی.....
۶۳.....	خاطرات از روستا و صنایع دستی.....
۶۴.....	نظام پارچه‌بافی.....
۶۶.....	مهمان‌نوازی.....
۶۷.....	خوراکی‌های مرسوم در سیستان.....
۶۷.....	کورگی.....
۶۷.....	گندم شیر.....
۶۷.....	سوزک.....
۶۷.....	ستو.....
۶۸.....	چ ولی.....
۶۸.....	آرد دستمال.....
۶۸.....	بورک.....
۶۹.....	لندو.....
۶۹.....	پتک.....
۶۹.....	پچ.....
۶۹.....	دوغ بر.....
۶۹.....	لیتی.....
۶۹.....	گرماس.....
۷۰.....	پ لو.....

۷۰	سیستان قدیم
۷۱	نام قدیم شهر ناصری و شهر حسین آباد
۷۳	آثار باستانی و تاریخی زابل
۷۵	قیمت اجناس قدیم
۷۷	نام زیارت‌های سیستان
۸۰	قسمتی از آثار کوه خواجه
۸۱	خشکسالی سال ۱۳۲۷
۸۴	ساختن صد کوهک و زهک
۸۷	نظام اجتماعی و روابط طایفه‌ای
۸۸	چلی‌ها (کولی‌ها)
۹۰	نظام سربازگیری در سیستان
۹۲	نظام کاسی در سیستان قدیم
۹۵	کاسبان دوره گرد
۹۶	رسوم خواستگاری
۹۸	نهار یا شام عروسی
۹۹	مراسم خانبندان در سیستان
۹۹	عروسی در سیستان
۱۰۰	بردن عروس به خانه بخت
۱۰۴	این یک نوع زبون تلفظه سیستو قدیم
۱۰۷	نظام زندگی در بلوچستان و ازدواج
۱۱۰	رسم طلاق در بلوچستان
۱۱۰	مراسم سوگواری و بیماری در بلوچستان
۱۱۱	منشای شغلی بلوچستان مهمانی
۱۱۲	نوزده بهمن
۱۱۴	نظام کاروانی از سیستان
۱۱۵	کوچ کردن مردم از سیستان
۱۱۶	شعر کوچ سیستونی
۱۱۷	مواد زمستانی قدیم
۱۱۹	گل سرشو و شلو در زابل و نون و نمک

۱۲۰	چند نام رسمی قدیم
۱۲۲	چند جمله زبان قدیمی
۱۲۳	بازی‌ها و سرگرمی‌ها
۱۲۴	چند نوع بازی قدیم
۱۲۵	یک نوع بازی خلیسک
۱۳۰	عید نوروز
۱۳۳	رسم خانه‌سازی
۱۳۴	رسوم خاطرات دوران قدیم
۱۳۵	فعال زندگی
۱۳۸	بیماری
۱۴۴	ارث میراث
۱۴۷	تولد نوزاد
۱۴۹	نام‌گذاری نوزاد به زبان دوران قدیم
۱۵۰	لالایی یا آنکه
۱۵۱	ختنه کردن فرزندان
۱۵۲	مراسم تعزیه و شبیه‌خوانی
۱۵۳	ارده‌خوانی (رباعی)
۱۵۴	مراسم خاک‌سپاری در سیستان
۱۵۴	شام اول
۱۵۵	رسوم عزاداری در سیستان
۱۵۶	رسوم مردم‌داری در نزاع و دعوا
۱۵۷	چند مورد از نذورات مرسوم در سیستان
۱۵۷	نذر بی‌بی تندوری
۱۵۷	نذر جد سید باقر
۱۵۷	نذر بی‌بی سه‌شنبه
۱۵۷	نذر گندم بریان (گندم بریو)
۱۵۸	نذر بی‌بی رقیه
۱۵۸	عید قربان
۱۶۱	چند ضرب‌المثل سیستانی

به نام او که زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد.

این جانب حاج ابراهیم خمرّ سال ۱۳۱۶ هجری قمری در قریه ده سوخته بخش شهرکی ناروئی سیستان متولد شده‌ام.

در سال ۱۳۲۵ در اثر طوفان زیاد ده سوخته نهرها پر از ماسه خشکسالی منطقه به وجود آمد که از ده سوخته کوچ و به قلعه‌نو سردار محمدمین خان ناروئی ساکن شدیم. سال ۱۳۳۹ عازم سرسازی شدم. بعد از دو سال زاهدان منزل ساختیم و مشغول کسب و کار کاسبی تا سال ۱۳۸۰ نقل مکان در شیراز ساکن شدیم در آن‌جا با چند خانواده سیستانی مقیم شیراز معاشرت داشتیم اغلب اوقات بحث از گذشته آباد منطقه سیستان و ملت خون‌گرم و غیور سیستان به میان می‌آمد.

من که در مورد سیستان و طوایف این منطقه اطلاعات نسبتاً بیش‌تری داشتم تصمیم گرفتم با جمع‌آوری اطلاعات جامع و دقیق از افراد بزرگ‌سال سیستان و از تاریخ و استان‌های که در مورد طوایف و سیستان به صورت یک مجموعه از طوایف ادوار گذشته تاکنون گردآوری نمودم.

لذا از سال ۱۳۸۲ به طور مکرر به دوستان و آشنایان در سیستان مراجعه می‌کردم و با کمی اطلاعات از آن‌ها و کتاب و نشریات و میراث فرهنگی فیض

برده و اطلاعات را به صورت یک مجموعه جمع‌آوری و پس از تنظیم در اختیار دوستان آقایان این سرزمین قرار دادم.

این مجموعه دارای ایرادات و اشکالاتی خواهد بود که شما سرور گرامی با محبت و بزرگ‌بینی خود در برطرف نمودن آن‌ها ما را یاری فرمائید و سلام زمو حقیر حاج ابراهیم خمر

که در آفرینش زیک گوهرند
که عضوها را نماند یک قرار
من نه آن رندم که غیر زکار خدا کاری کنم
که گشت شاهد فصل خزان نظر خدا را
بود ز آینه رهبر غیب بخشنده شد مرا
که از دولت حق به معکده سیستان یادگار مرا

نی آدم اعضای یک پیکرند
گر عضوی به درد آورد روزگار
ه شکایت از گلی که شکوه از خار کنم
باغ آرزوها بشکفت همچو بهاری مرا
که سعادت بسی عقل به خانه دل رفت
مگر این دم ز من حاج ابراهیم

بدانیم تا بدانیم بخوانیم تا بدانیم

به نام او که زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد

این جانب حاج ابراهیم خمر یکم اسفندماه سال یک هزار و سیصد و شانزده هجری شمسی در قریه ده سوخته زابل بخش شهرکی ناروئی متولد شدم.

چون علاقه به سرزمین کهنه سیستان دارم و داشتم بر من این مصمم شد که آن چه رسم و رسوم زمان‌های گذشته قدیم به خاطر داشتم و شنیده بودم بتوان رسوم زمان زندگی را جمع‌آوری به خصوص از مدیریت بزرگان و کدخدایان و دیگر اشخاص‌های منطقه در رابطه به مرتکین خلاف‌کارها و یا دزدان و روش تقسیم کاری و صحبت‌های زمانه و روزگار دوران تقسیم‌بندی آب نهر و رودخانه برای کشاورزی و باغداری و زمین‌های مزروع و دیگر این شد که به رشته تحریر درآورم و به نسل‌های آینده تقدیم نمایم تا علاقمندان و همجویان رسم‌های گذشته از آن بهره‌مند شوند تا رسم و رسوم زندگی گذشتگان به فراموشی سپرده نشود.

آن چه تا امروز از گذشتگان شنیده و یا خودم از مشاهدات رسومات قابل اجرا برداشت نموده‌ام به طور اختصار نوشتم تا گذشته‌های قدیم از بین نرود در نظر خوانندگان یادآوری شود.

از جایی که روزگاران آن قدیم در بین سیستان یا حتی بعضی منطقه‌های ایران این رسم بود افرادی که دور آن قدیم زمین‌های فراوانی را در اختیار داشتند یا سرمایه مالی داشت آن فرد را به صورت ارباب یا خان یا کدخدا مردم به حساب می‌آوردند.

این رسم در قرن‌های اول هجری یا دوم هجری تا زمان انقلاب جمهوری اسلامی بود فعلاً کلمه آن کدخدا برداشته شد. بلکه بعضی جاها به صورت بزرگ منطقه حساب می‌کند.

سال ۱۳۳۲ یک نفر به نام عباس شیرعلی ۹۰ سال داشت می‌گفت قلعه نو کهنه سیستان سال ۱۲۵۰ به نام کدخدا درویش نخی یا خمر آن جا حکومت می‌کرد و در همین چاه نیمه که فعلاً زیر آب است به نام جهه جندم یاغی داشت آن دوران درخت انار فراوان بود از آب باران حاصل برداشت می‌کرد. آن قلعه کهنه قبله یادآوری شد در غرب قلعه نو سردار محمدحسین خان نارویی واقع شد که فعلاً آثار آن در جا باقی ماند که روی یک تپه وسط همان قلعه نو کهنه زیارتی است به نام دوازده امام و دیگر جنوب آن قلعه کهنه قبر آقا سید پادشاه که قلعه نو زندگی می‌کرد آن شخص از نظر عالم غیب هر کس دایی می‌خواند به حکم خدا خوب می‌شد چه زن چه مرد یا بچه بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

و اما بعد چنین گویند صاحب دلان با تجربه و پیران به عشق سیستان (نیم‌روزی) که قوم زالوی را از روزگاران قدیم قدرت ذات پروردگار که براساس زندگی ده دیار خویش همچو با دلیر و مردانگی پهلوانی بر این سرزمین کهنه که از اوایل قرن‌ها تا به حال جهت جایگاه منطقی را از نظر اسم و نصب و پیدایش رسم و رسوم گذشتگان را گردآوری حتی هنرها و شعرهای گران قدر با تجربه نشان‌های دوران گذشت‌های سیستان را از سر ذوق با همت چنین پایدار پیدایش ریشه نژادی با هویت خویش به بیگانگان حتی به نسل‌های آینده چنین استنباط در نظر آگاه تا سفر رنگین به دور آن آیندگان روایت تاریخی بعدی پیوست داشته باشد.

این است که من حقیر حاج ابراهیم خمر توانستم با عقل و فکر سرگذشت‌های قدیم را به صورت تحریر طبقه‌بندی که دارای نظام زندگی و کاری و رسم رسومات سیستان گذشت و دیگر خصوصیات مردمی و روایات قدیم قابل اجرا برداشت نموده‌ام به طور اختصار نوشتم.

بر این که تا گذشت‌های قدیم از بین نرود و تا ابد در نظر خوانندگان محترم نژادان سیستان و بلوچستان مورد تعید و یادآوری نسل‌های آینده بماند تا از گذشتگان نشان‌های به دوران آینده زندگانی روزگار خویش باشد. انتظار دارم از صاحب‌نظران با نشان دادن هر گونه نگرش یا ویراستاری که در نظر یا در

دست دارید من حقیر را همیاری و همکاری در این نوشت‌ها یاری نماید تا بتوانم رفتار و کردار پسندیده شما را در نظر خویش منش شهرت داشته باشم. چون من حقیر درباره سرزمین سیستان و نژادهای برومند علاقه بسیار دارم بر این که سرزمین سیستان واقعاً خاک پرفیض و با برکت چون از جایی که بررسی از این سرزمین شد بزرگ‌ترین پایگاه کل جهان بود چون آن چه در تاریخ گفته شد و دانشمندان جهان بررسی کردند واقعیت دارد چون حضرت آدم در این سرزمین قدم خیر گذاشت حتی حضرت سلیمان این که مدتی در همین سرزمین جایگزین بود به واسطه که سرزمین خوش باد و هوای مناسب داشته خوش آب این سرزمین پربرکت دنیای سیستان.

سیستان سرزمین کهن که تمدن دیرینه آن از ما قبل تاریخ تا آغاز دوره تاریخی و حتی بعدها چنان نکین درخشان بر تمامی نیمه شرقی فلات ایران می درخشد و باور دیگر می توان گفت سلحشوران این سرزمین در شکل گیری حکومت در ایران و پی ریزی بزرگترین امپراتوری جهان نقشی حیاتی ارزنده داشته اند.

کنارهای سرسبز هیرمند و نیزارهای پر رمز و راز دریاچه هامون در ظهور اساطیر از عوامل اصلی زمان خود بود که می توان ادعا کرد فلات ایران پاک از بدر ظهور اساطیر و تاریخ حماسی توسط فرزندان این آب و خاک پا گرفته و باز سخنی به گزاف نیست که بگوئیم کیان (کویان) قدیم یعنی سلسله یی که از کوات آغاز و به هئوسروه ختم می شود علی الظاهر رؤسای ایران شرقی هستند خواه آنان را داستانی و خواه تاریخی که تحقیقات مفصلی دارد سعی کرده آنان را با پادشاهان کم و بیش داستانی ماد که هرودت و کتزیاس فهرست آن را ذکر کرده اند و با کوروش که متشابه با هئوسروه است تطبیق نمایند.

او می گوید آنچه از داستان گویان بعد از حذف عناصری اساطیری باقی ماند عبارتست از داستانی که قابل انطباق بر تاریخ دیوکیدس دیاکومؤسس سلسله مادی و کورش است با تغییراتی که در روایت ایران شرقی (زرنگ) سیستان در

آن راه یافته است.

یعنی بنیان‌گذاران سلسله بزرگ هخامنشی برخاسته از کناره‌های هیرمند می‌باشند و داریوش همان سپنتودات یعنی کسی که پس از رسیدن به سلطنت عنوان سلطنتی دارای وهوش را پیدا کرد و در حقیقت کوی ویشتاسب کی گشتاسب همان ویشتاسب هخامنشی است که ساتراپ منطقه پرتو و ایالت زرنگ نیز بوده است.^۱

بنابراین سیستان تنها پرورنده اساطیر بلکه بنیان‌گذار امپراتوری ایران می‌باشد به عبارت دیگر این سیستانی‌ها بودند که امپراطوری بزرگ هخامنشی را پی‌ریزی کردند در یک برداشت سطحی به باور کسی نمی‌گنجد که سلسله بزرگ هخامنشی که امپراطوری عظیم پارس را پی‌ریزی کردند سیستانی و از ایران شرقی باشند در حالی که نام کوروش، داریوش، رستم و یعقوب را یدک می‌کشد.

به غیر این عظمت یعنی بنیان‌گذار اولین شاهنشاهی در ایران دوره‌ای که نیمی از جهان آن روز رب‌النوع جسمی بت را ستایش می‌کردند و می‌پرستیدند باز این سیستانی‌ها بودند که یکتاپرستی را به ایرانیان آموختند و بیهوده نیست که کریستن سن می‌نویسد: اهمیت سیستان در بحث از دوره آخرالزمان که روایات شرقی ملاحظه می‌کنیم ثابت می‌کند که نخستین تعالیم زرتشتی در این ولایت انتشار یافته و می‌دانیم که نجات‌دهندگان آینده عالم از نطفه زرتشت که در دریاچه کاس آبی یعنی دریاچه هامون پنهان شد و ۹۹۹۹۹ (فروشی) فروهر آن را حفاظت می‌کنند پدید خواهند آمد و هم او اضافه می‌کند اکنون که انتظار ظهور نجات‌دهنده را از این محل مشخص داشته‌ایم چنین نتیجه می‌گیریم که همین مکان یعنی سیستان ناحیه اصلی نشر تعالیم این پیامبر بوده شاید برخی

۱- کیانیان کریستن سن، ترجمه ذبیح‌الله صفا، تهران ۱۳۴۲، ترجمه و نشر کتاب صفحه ۲ و

خرده بگیرند که در این مقدمه کوتاه داریوش سیستانی می‌شود.

زرتشت هم از این سرزمین ظهور می‌کند کریستن سن خیلی ساده خواننده را به دلایل خود هدایت می‌کند او می‌نویسد: چنین نتیجه گرفته‌ام که فقدان هر قرینه‌ای از تمدن آسیای علیا در گاتاهاما را بر آن می‌دارد که سرزمین اصلی آیین زرتشتی را در ناحیه‌ی واقع در شمال یا شرق سرزمینی که قبایل ایرانی در روزگاران قدیم سکونت داشته‌اند آن‌جا شرایط طبیعی زندگی چادرنشینی با زندگی کشاورزی آمیزش یافته بود قرار دهیم همچنین آیین زرتشتی را در شرق ایران جست‌وجو و حتی ناحیه‌ای را که اصلاح آیین آریایی به وسیله زرتشت آن‌جا صورت گرفته چو معلوم می‌دارد وی عقیده دارد که سیستان محل نشر تعلیمات زرتشتی بوده است هدف تاریخ و شناساندن نوروز از چه سرزمینی به چه تمدنی پدید آمد و جهان گیر شد.

پس نقش سیستانی‌ها را در لشکرکشی ساسانیان به غرب شمال غرب نباید فراموش کرد خاندان سورن که یکی از هفت خانواده نجیب ایران بودند سیستانی بود و در تثبیت حکومت ساسانیان نقش بزرگی ایفا و ولایت عمران ساسانی در سیستان.

عید نوروز را زمان تخت‌جمشید که ساختند عیدی برگزار نمودند در آن روز بزرگان کشورهای جهان به تهنیت نوروز به تخت‌جمشید می‌آمدند و شاهان هخامنشی را شادباش می‌گفتند. نوروز در واقع نمایش آیین‌گونه رستاخیز روز اولین سال بود و خواهد بود.

در عیش نقد کوش سیستان این نسیم صبحگاهی را
کاین شکر نقش عالی از تو پادشاهی را
مژده ای سیستان که چنین نژاد باز چنین
کانجا بنیاد همیشه در جهان این مقام را